

جهانی شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری

دکتر جعفر کوشا*

یاسمن خواجه نوری**

چکیده

اطفال بزه کار یکی از مخاطبان حقوق کیفری هستند که با ارتکاب رفتار مجرمانه برای اصلاح و تربیت وارد قلمرو حقوق کیفری می شوند تا به واسطه ای انجام اقدام های بازپرورانه اسباب بازگشت آنان به زندگی عادی اجتماعی فراهم گردد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد اساساً تعریف دوره ی کودکی است؛ تعیین این که کدام دسته از شهروندان و تا چه محدوده ی سنی می توانند از تدابیر حمایتی برخوردار شوند. در خصوص تعریف طفل از گذشته تا امروز سیاست های مختلفی از سوی قانون گذاران کیفری اتخاذ شده است. به همین جهت، برای تعیین یک چارچوب مشخص برای دوره ی طفولیت، اسناد متعدد بین المللی به تصویب رسیده و نیز کشورها در صدد اتخاذ روی کردی هماهنگ با یکدیگر بر آمده اند. این اقدام بین المللی دولت ها موجبات شکل گیری پدیده ای جدید را در قلمرو حقوق فراهم آورده که امروزه به جهانی شدن حقوق کیفری موسوم شده است. یکی از مهم ترین عرصه های جهانی شدن، حقوق کیفری اطفال و خصوصاً تبیین مفهوم طفل است. در این نوشتار، پس از مفهوم و شیوه های جهانی شدن حقوق کیفری (الف)، از جهانی شدن مفهوم طفل در منابع بین المللی (ب) و مفهوم طفل در نظام حقوقی ملی (پ) سخن به میان می آید.

کلید واژگان

جهانی شدن، حقوق کیفری، طفل، اسناد بین المللی، نظام حقوقی ایران.

* استادیار دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش آموخته ی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی.

مقدمه

جهانی شدن یکی از پدیده‌هایی است که امروزه جوامع بشری با آن مواجه‌اند. دامنه‌ی این پدیده به قدری گسترده است که زندگی بشری را در ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحت تاثیر خود قرار داده است.

اصطلاح جهانی شدن معادل واژه «Globalization» در زبان انگلیسی است. در زبان عربی نیز کلمه‌های «العلوله» و «الکوکبه» معادل جهانی شدن و جهان گرایی ترجمه شده‌اند که عمدتاً کلمه‌ی «العلوله» مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

در خصوص مفهوم جهانی شدن تعاریف و تعابیر گوناگونی ارائه شده که نمایان‌گر اختلاف نظر اندیشمندان، برای ارائه‌ی تعریفی واحد از اصطلاح جهانی شدن است.

برخی از نظریه پردازان با دیدگاهی مثبت و موافق جهانی شدن را تعریف کرده‌اند و گروهی دیگر با روی کردی منفی و مخالف از آن یاد کرده‌اند. در این معنا، جهانی شدن فرآیندی است که به موجب آن تمامی مردم جهان درون یک جامعه‌ی فراگیر جهانی ادغام می‌شوند. به دیگر سخن، جهانی شدن در این مفهوم فرصتی برای تضعیف سلطه‌ی دولت‌ها و ایجاد یک دموکراسی جهانی است.^۲

بنابر این تعریف، جهانی شدن فرآیندی است که وابستگی متقابل جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه را در پی داشته است. رابرتسون فرآیند جهانی شدن را تابع یک منطق مستقل و محترم می‌داند.

جهانی شدن به تعبیر گیدنز «گسست بین فضا و زمان است». در این باور جهانی شدن حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است که به واسطه‌ی جدایی زمان از مکان پدید می‌آید. اما در برابر، شماری از اندیشمندان جهانی شدن را به مثابه سلطه‌ی بی‌چون و

۱. الحمادی، عبدالله، «ما و مظاهر جهانی شدن»، ترجمه‌ی عبدالله نکونام قدیمی، همشهری، سال هشتم، شماره‌ی ۲۲۴۳، ص. ۱۸.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی (جهانی شدن و جرم)»، دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، نیم‌سال دوم ۸۹-۱۳۸۸.

چرای تمدن و فرهنگ غرب می‌دانند؛ استیلا همان چیزی است که در لس آنجلس بسته‌بندی شده است و سپس به دهکده‌ی جهانی ارسال می‌شود و آن گاه در مغز انسان‌های بی‌گناه می‌نشیند.^۳

با وجود تعبیر گوناگون در خصوص مفهوم جهانی شدن، در یک تعریف کلی می‌توان گفت: «جهانی شدن عبارت است از غلبه‌ی اصول مشترک و جهانی بر ابعاد مختلف زندگی بشر، و تبعیت انسان از این اصول مشترک».

نکته‌ی قابل توجه این است که مفهوم جهانی شدن در برخی موارد مترادف با جهانی‌سازی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، در برخی از نوشته‌ها به جای واژه‌ی جهانی شدن از کلمه‌ی جهانی‌سازی استفاده شده است، در حالی که این دو واژه در معنا و مفهوم با یکدیگر متفاوتند. جهانی شدن یک فرآیند اجتماعی است که طی آن محدودیت‌های جغرافیایی موجود در زندگی بشر در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، جهانی شدن دارای یک اثر مثبت است و متضمن این معناست که بسیاری از نیروهای همگونی‌آفرین به‌طور غیرشخصی و فراتر از کنترل افراد در حال حرکت هستند؛ در حالی که جهانی‌سازی معمولاً شیوه‌ی نوینی از استعمار تلقی می‌شود که قصد دارد خرده‌فرهنگ‌های بشری را در خود استحاله نماید. از این رو، جهانی‌سازی یا جهانی کردن حاوی یک بار منفی است و دربرگیرنده‌ی این معناست که نیروهایی توانمند در قالب دولت - ملت و یا شرکت‌های چندملیتی در راستای علایق و منافع خود به همگون‌سازی جهان پرداخته‌اند.

به دیگر سخن، کسانی که برداشت مثبت و موافق نسبت به جهانی شدن دارند، از پیدایش جامعه‌ی فراصنعتی و فرااطلاعاتی سخن به میان می‌آورند؛ آنان جهانی شدن را فرآیندی - نه پروژه - می‌دانند که موجب گسترش آزادی‌های مدنی، دموکراسی، بسط

۳. آشناگر، داریوش، «جهانی شدن و امپریالیسم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۲۶۷ و ۲۶۸، ص. ۱۲۱.

جامعه‌ی مدنی، تحقق حقوق شهروندی، دسترسی آزادانه به اطلاعات، گفت‌وگوی تمدن‌ها و درک متقابل فرهنگ‌ها، حذف موانع قومی، نژادی و دولتی، بهبود خدمات اقتصادی، حل تناقضات سیاسی، اجتماعی، تحقق صلح و امنیت جهانی و در نهایت خوشبختی بشر خواهد شد.

در حالی که منتقدین و مخالفین، جهانی شدن را یک توطئه تلقی کرده‌اند که موجب بی‌ثباتی و توزیع ناعادلانه‌ی ثروت جهانی، گسترش شکاف طبقاتی، تشدید فاصله میان کشورهای استعمارگر و سرمایه‌دار با کشورهای جهان سوم، مداخله در امور کشورهای اخیر، جهانی کردن ناامنی‌ها، غربی‌سازی و آمریکایی‌سازی فرهنگ و اقتصاد و تهاجم فرهنگی و جهانی شدن جرایم و اعمال شیوه‌ی امپریالیستی می‌شود.^۴

واژه‌ی «Globe» در زبان انگلیسی به معنای «کره، گوی، ظرف گُرّوی» می‌باشد و به کارگیری آن به معنای «جهان» از هنگامی شروع شد که مشخص گردید زمین کرّوی شکل است. هم‌چنین، از دهه‌ی ۱۸۹۰ از این واژه برای اشاره به «کل دنیا» استفاده شد.^۵

تا پیش از نیمه‌های قرن نوزدهم واژه‌ی روابط بین‌المللی مصطلح بود اما پس از آن واژه‌هایی مانند «بازارهای جهانی»، «روابط جهانی» «اقتصاد جهانی» و رواج یافت.

اما پرسش اصلی این است که جهانی شدن از چه زمانی آغاز شد؟ به دیگر سخن پدیده‌ی جهانی شدن یک تحول نوظهور است و یا ریشه در دوران گذشته دارد؟ در پاسخ به این پرسش دو فرضیه مطرح شده است، فرضیه‌ی تغییر تمام عیار و فرضیه‌ی تداوم تمام عیار.

هواداران فرضیه‌ی تغییر تمام عیار معتقدند جهانی شدن یک چرخش تاریخی کاملاً

۴. برای آگاهی بیش تر رک. به کیش، محمد‌هادی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۸۱. و نیز: دیوید هلد و آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۲.

۵. شولت، یان آرت، نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص. ۴۵.

جدید است، در حالی که طرفداران فرضیه‌ی تداوم تمام عیار عقیده دارند جهانی شدن پدیده‌ای است که ریشه در چندین قرن گذشته دارد. دسته‌ی اخیر اعتقاد بر این دارند که در قرون وسطا و در آموزه‌های کلیسا نیز آثاری از جهانی شدن به چشم می‌خورد زیرا کلیسا تعلیمی مبنی بر فراگیر کردن تعلیمات خود داشت.

به‌طور کلی می‌توان مراحل جهانی شدن را به سه دوره تقسیم کرد. دوره‌ی نخست که حدوداً پانصد سال قبل آغاز شد و دوره‌ی هوشیاری جهانی نام دارد؛ دوره‌ی دوم که از اواسط قرن نوزدهم شروع شد و دوره‌ی فوق قلمروگرایی نام گرفت، این دوره به‌طور تدریجی تا شروع قرون بیستم توسعه می‌یابد؛ و نهایتاً دوره‌ی سوم که دوره‌ی روابط جهانی است که از سال‌های ۱۹۶۰ گسترش یافته است.^۶

در سال ۱۹۶۵ میلادی (معادل با ۱۳۴۴ خورشیدی) مارشال مک‌لوهان نام کتاب خود را «جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی گذاشت». بر همین اساس، برخی همین اصطلاح «دهکده‌ی جهانی»^۷ را آغاز و شکل‌گیری «جهانی شدن» می‌دانند. بدین ترتیب، واژه‌ی جهانی شدن از دهه‌ی ۱۹۸۰ در ادبیات عمومی و اختصاصی نمایان می‌شود و از این تاریخ است که اعتبار علمی می‌یابد.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی شرکت‌های چندملیتی پا به عرصه‌ی اقتصاد جهانی نهادند و موتور حرکت جهانی شدن در حوزه‌ی اقتصاد را به حرکت درآوردند. هم‌چنین، پیشرفت وسایل حمل و نقل، گسترش مبادلات تجاری و ایجاد تحول در زمینه‌ی ارتباطات بستری را فراهم کرد تا جهانی شدن در صدر توجه محافل دانشگاهی و علمی قرار گیرد. از سوی دیگر فروپاشی سوسیالیسم به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سابق به فراگیری جهانی شدن اقتصاد، شتاب بخشید و افزایش استفاده از ماهواره، اینترنت و رشد آگاهی‌های عمومی جهانی شدن را وارد عرصه‌های دیگر حیات بشری یعنی عرصه‌ی سیاسی، فرهنگی،

۶. شولت، پیشین، ص ۷۲.

7. Global Village.

اجتماعی و علمی نمود.^۸

تاسیس سازمان ملل متحد در اکتبر سال ۱۹۴۵ نیز نقش بسیار موثری در تولد علمی جهانی شدن به عهده دارد. در حقیقت تاسیس این سازمان را که سبب همگرایی کشورها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی گردید و الزاماتی را در قالب کنوانسیون، میثاق، اعلامیه و پروتکل برای آن‌ها ایجاد کرد، می‌توان نقطه‌ی عطفی در فرآیند جهانی شدن دانست.^۹

الف) جهانی شدن حقوق کیفری: مفهوم و شیوه‌ها

۱. مفهوم جهانی شدن حقوق کیفری

حقوق کیفری یکی از شاخه‌های حقوق ملی و داخلی است که علاوه بر بیان ارزش‌های اساسی در هر جامعه، یکی از ارکان اعمال حاکمیت دولت به شمار می‌رود. اصل صلاحیت واقعی و اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری نشان‌گر این است که این رشته ذاتاً داخلی و ملی است؛ به همین دلیل جهانی شدن آن، برخلاف جهانی شدن اقتصاد که یک امر تصدی‌گری است، به راحتی از سوی دولت‌ها پذیرفته نمی‌شود و همواره این احتمال وجود دارد که جهانی شدن حقوق کیفری با باورهای سیاسی و ایدئولوژیکی کشورها در تقابل باشد.

اما باید اذعان داشت زمانی که حقوق کیفری به عنوان یک رشته‌ی ملی و داخلی متولد شد، سایر پدیده‌های اجتماعی هم دارای جنبه‌ی محلی و ملی بودند. تا پیش از قرن نوزدهم اصل بر اقتصاد ملی بود؛ فرهنگ و سیاست و مبادلات مردم و به تبع آن جرایم، همگی دارای جنبه‌ی ملی بودند، اما امروزه دنیا با جرایم اقتصادی مواجه شده است زیرا اقتصاد جنبه‌ی جهانی به خود گرفته است و در نتیجه جرایم دیگر تنها واجد جنبه‌ی محلی

۸. میرمحمدی، داود، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره‌ی ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۷۸.

۹. نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۲۲.

نبوده و خصیصه‌ی فرامرزی و جهانی پیدا کرده‌اند؛ به‌طوری که امروزه جرایم بورسی، قاچاق انسان، قاچاق کالا و مواد مخدر، پول‌شویی و ... جنبه‌ی جهانی دارند و جرایم جهانی شده، حقوق کیفری جهانی شده را می‌طلبد. بنابراین حقوق کیفری که در گذشته تنها وظیفه‌ی نگهبانی از ارزش‌های داخلی را داشت امروزه وظیفه‌ی پاسداری از ارزش‌های مشترک جهانی را هم به عهده دارد. از سوی دیگر آموزه‌های حقوق بشر امروزه دارای جنبه‌ی جهانی شده است. لذا در زمینه‌ی دادرسی عادلانه و حمایت از حقوق بزه‌کاران به ارزش‌های مشترک جهانی توجه شده است. بدین ترتیب جهانی شدن حقوق کیفری برای تامین حقوق و آزادی‌های فردی و رعایت حداقل اصول و موازین حقوق بشر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.^{۱۰}

۲. شیوه‌های جهانی شدن حقوق کیفری

حقوق کیفری، در فرآیند جهانی شدن از سه روش یا مُدل پیروی^{۱۱} کرده است.

۱-۲. یگانه‌سازی یا وحدت^{۱۲}

جهانی شدن حقوق کیفری در این روش به معنای ایجاد یک قانون جزایی مشترک و یکپارچه برای تمامی کشورهای جهان است. در این روش به جهان همانند یک کشور نگریسته می‌شود که دارای قوه‌ی قانون‌گذاری واحد است. در حقیقت در کل جهان تعداد جرایم، مجازات‌ها و آیین دادرسی یکسان تلقی می‌شود؛ با این هدف که با جرایم جهانی

۱۰. برای آگاهی بیش‌تر رک. پرادل، ژان، «به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری»، ترجمه‌ی محمد مهدی ساقیان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۱، ۱۳۸۲ و توحیدی‌فر، «محمد، فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری»، مجله مدرس، شماره ۴،
۱۱. دلماس مارتی، می‌ری، «به دنبال جهانی شدن حقوق جزای مشترک اروپایی»، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره ۲۱، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۴.

12. Unification.

شده مثل گروه‌های سازمان‌یافته و قاجاق مبارزه شود.

اگرچه پیروی از این روش در جرایم اقتصادی و در بعد مادی جهانی شدن امکان‌پذیر است، اجرای آن در بعد معنوی جهانی شدن ناممکن است، زیرا ارزش‌های دولت‌ها در این زمینه با یکدیگر تفاوت دارد و امکان یگانه‌سازی ارزش‌های متفاوت وجود ندارد؛ به عنوان مثال، در بحث سن مسئولیت کیفری شماری از اسناد بین‌المللی از جمله پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ به حمایت از کودک پرداخته‌اند و براساس این پیمان هر فرد زیر هجده سال، کودک تلقی می‌شود، ولی تعریف کودک و سن مسئولیت کیفری در هر کشور متفاوت است. بنابراین، نمی‌توان گفت تمامی کشورها تعریف واحدی از آن ارائه داده‌اند. لذا وحدت و یگانه‌سازی جهان حتی از طریق اسناد الزام‌آور هم امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، یکسان‌سازی حقوق کیفری با این انتقاد مواجه است که ممکن است به واسطه آن ارزش‌ها و عقاید ابرقدرت‌ها بر دول ضعیف تحمیل شده و امپریالیسم سیاسی به امپریالیسم کیفری منجر شود.

۲-۲. هماهنگ‌سازی^{۱۳} یا هم‌سویی

در این روش به‌جای همانندسازی حقوق کیفری از هماهنگ‌سازی ساختن آن بحث می‌شود؛ یعنی، هماهنگی حقوق کیفری دولت‌های مختلف در پرتو یک سلسله اصول مشترک. در روش هماهنگ‌سازی کردن حقوق کیفری، دولت‌ها در عین حال که از تکثر حقوقی برخوردار هستند، از یک سری اصول مشترک هم پیروی می‌کنند. این روش به یک ارکستر تشبیه شده است که اگر تمامی سازهای موجود در آن به شکل هماهنگ‌سازی نواخته شوند آهنگی گوش‌نواز به گوش می‌رسد و اگر هر ساز، هر چند بسیار زیبا و هنرمندانه، به طور ناهماهنگ و خارج نواخته شود صدای گوش‌خراشی ایجاد خواهد کرد. در حوزه‌ی حقوق کیفری جهانی هم می‌توان همین تصویر را مجسم کرد. از این رو،

13. Harmonization.

در هماهنگ‌سازی حقوق کیفری، دولت‌ها برآنند تا با حفظ تفاوت‌های ملی و بومی موجود، آهنگی هم‌نوا با اصول اساسی جهانی بنوازند؛ به عنوان مثال، براساس ماده‌ی ۴۰ پیمان حقوق کودک به کارگیری مجازات اعدام برای افراد زیر هجده سال منع شده است، اما در این پیمان الزامی برای دولت‌ها مبنی بر این که چه مجازاتی را جای‌گزین مجازات اعدام کنند، ایجاد نشده است. از این رو، در روش هماهنگ‌سازی حقوق کیفری با وجود حفظ تفاوت‌های فرهنگی کشورها، از آن‌ها خواسته می‌شود تا یک سری اصول راهبردی و مادر که به عنوان ارزش‌های جهانی در عرصه‌ی حقوق کیفری پذیرفته شده‌اند را مبنای قانون‌گذاری قرار دهند؛ به عنوان نمونه، یک سلسله اعمال باید در سطح جهانی جرم‌انگاری شوند مثل تجاوز به حریم خصوصی افراد، شکنجه، قاچاق، پول‌شویی و ... اما ضمانت اجرا در مقابل این اعمال به دولت‌ها واگذار شده است. از این اصول می‌توان به اساسی‌سازی حقوق کیفری یاد کرد. در حقیقت اصول اساسی ناظر به حقوق جزا در تمامی ابعاد جرم‌انگاری، کیفرگذاری و مسائل مربوط به آیین دادرسی کیفری که در سطح جهان مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، در قانون اساسی کشور منعکس شوند. در حقیقت در این روش کشورها اعم از رومی - ژرمنی، کامن‌لا، مارکسیست یا سوسیالیست تابع یک سری اصول راهبردی ناظر بر حقوق کیفری هستند.

۳-۲. مشابه‌سازی یا تلفیق^{۱۴}

این شیوه از جهانی شدن در حقیقت تلفیق منافع فراملی یا منافع مربوط به سایر دولت‌ها با منافع ملی است. در برخی از موارد دولت‌ها با اراده‌ی خود تصمیم به تلفیق و همگون‌سازی می‌گیرند؛ به عنوان مثال، در مورد تقلب نسبت به کمک‌های مالی جامعه‌ی اروپا، حقوق آلمان، پرتغال و ایتالیا اصل تلفیق منافع جامعه‌ی اروپا با منافع ملی خود را پذیرفته‌اند. در مواردی نیز این تلفیق به دولت‌ها تحمیل می‌شود؛ به عنوان نمونه، در

14. Assimilation.

معاهده‌ی ماستریخت تاکید شده است که «دولت‌های عضو همان تدابیری را برای مبارزه علیه تقلب نسبت به منافع مالی جامعه‌ی اروپا اتخاذ می‌کنند که علیه تقلب نسبت به منافع مالی خود پیش‌بینی نموده‌اند».^{۱۵}

جهانی شدن حقوق کیفری در این شیوه به معنای نزدیک کردن جهت‌گیری‌های دولت‌های مختلف است؛ بدون آن که لزوماً در زمینه‌ی قوانین کیفری با یکدیگر هماهنگ باشند. مشابه‌سازی حقوق کیفری از طریق قراردادها و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه امکان‌پذیر است.^{۱۶}

ب) جهانی شدن مفهوم طفل در منابع بین‌المللی

تبیین مفهوم طفل و محدوده‌ی سنی که دوران کودکی را تشکیل می‌دهد، یکی از مسائل بنیادین در حوزه‌ی حقوق کیفری کشورهاست؛ زیرا تنها با روشن شدن این مطلب که طفل به چه کسی گفته می‌شود، می‌توان از سیاست کیفری افتراقی در خصوص اطفال سخن گفت.

از هنگام تدوین و تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹) به عنوان یکی از نخستین^{۱۷} اسناد بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق کودک تا امروز، اسناد متعددی در راستای تبیین حقوق اطفال و نحوه‌ی حمایت از آنان در عرصه‌های گوناگون تدوین شده است. تمامی این اسناد به معرفی معیارهای بین‌المللی در زمینه‌ی حمایت از اطفال از جمله اطفال بزه‌کار و لزوم اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی در خصوص آنان تاکید ورزیده‌اند. اما آن‌چه در گام نخست ضروری می‌نماید این است که بررسی شود دوره‌ی کودکی از منظر این اسناد تا چه زمانی ادامه می‌یابد و به عبارت دیگر تعریف طفل در این اسناد

۱۵. ماده ۲۰۹-A- معاهده‌ی ماستریخت ۱۹۹۲.

۱۶. دلماس مارتی، پیشین.

۱۷. پیش از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک، لزوم حمایت خاص از کودکان در اعلامیه‌ی ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ مورد توجه قرار گرفته بود.

چگونه است؟

در این قسمت روی کرد منابع بین‌المللی به مفهوم طفل و دوره‌ی کودکی در دو قلمروی جهانی و منطقه‌ای بررسی می‌گردد.

۱. مفهوم طفل در قلمروی اسناد جهانی

در بیش‌تر اسناد بین‌المللی مفهوم طفل صراحتاً تعریف نشده است. حتی واژگان به کار رفته در این زمینه هم یکسان نمی‌باشد؛ در برخی از اسناد از واژه‌ی طفل استفاده شده و در برخی دیگر، اصطلاح نوجوان به کار رفته، بدون آن که تعریفی از این واژه ارائه شود.

۱-۱. در قلمرو اسناد عام جهانی

در ماده‌ی ۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ آمده است: «کودک باید از کلیه‌ی حقوق مندرج در این اعلامیه برخوردار شود». با این حال، طفل و یا دوره‌ی کودکی از سوی نویسندگان این سند تعریف نشده است. در واقع، در این سند صرفاً کودک، بدون این که معیار سنی مشخصی برای آن ارائه گردد مورد حمایت قرار گرفته است. بدین‌سان، سند مذکور در قالب اصول متعدد درصدد توصیه به کشورها در خصوص اتخاذ سیاست‌های حمایتی نسبت به اطفال، بوده است.^{۱۸}

همین روی کرد، در میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ اتخاذ شده است، زیرا در بند ۵ ماده‌ی ۶ این سند الزام آور بین‌المللی بدون آن که تعریفی از طفل ارائه شود، به منع اعدام افراد زیر هجده سال اشاره شده است. این سیاست نشان می‌دهد که افراد زیر هجده سال نیازمند حمایت سیاست‌گذاران جنایی هستند و بر همین اساس، باید در راستای پرهیز از اعدام این دسته گام برداشت. به نظر می‌رسد، عدم احتمال اسناد مذکور به تعریف مفهوم

۱۸. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، مجمع علمی و فرهنگی مجید، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص. ۲۹.

طفل به علت ناهمسو بودن کشورها در زمینه‌ی تبیین قلمرو دوره‌ی کودکی باشد. از این رو، تدوین‌کنندگان این اسناد صرفاً با اشاره به واژه‌ی کودک در اصول متعدد بر جنبه‌های حمایت افتراقی از اطفال، از جمله اطفال بزه‌کار تأکید کرده‌اند.

۲-۱. در قلمرو اسناد ویژه جهانی

قواعد بیجینگ (۱۹۸۵) یا مقررات پکن (قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان) برخلاف اسناد پیش‌گفته تعریفی در این زمینه ارائه داده است؛ اما به جای واژه‌ی طفل در این سند از واژه نوجوان استفاده شده است. در بند الف ماده‌ی ۲-۲ این سند آمده است: «نوجوان^{۱۹} عبارت از کودک یا فرد کم‌سالی است که تحت نظام ذی‌ربط قانونی مشمول رفتاری در قبال بزه‌کاری است که متفاوت با رفتار نسبت به افراد بالغ می‌باشد». هم‌چنین بر اساس همین ماده «بزه‌کار^{۲۰} نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم‌سالی است که متهم به ارتکاب بوده یا محرز شده که مرتکب بزه شده است.»

نکته‌ی قابل توجه در خصوص تعاریف فوق این است که این سند بدون آن که سن مشخصی را برای تعیین قلمرو دوران نوجوانی ارائه دهد، نوجوان را بر مبنای نیاز به برخورداری از سیاستی متفاوت از افراد بالغ، تعریف کرده است. در تفسیر این ماده آمده است «محدوده‌ی سنی به نظام حقوقی ذی‌ربط بستگی دارد و شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نوع نظام حقوقی دول عضو جملگی در تعیین آن نقش دارند. بدین ترتیب از سنین مختلفی به عنوان دوران نوجوانی یاد شده است که معمولاً از سن هفت تا ۱۸ سال و یا بالاتر را در بر می‌گیرد.»

هم‌چنین، در ماده‌ی ۱-۴ مقررات مذکور آمده است: «در آن دسته از نظام‌های

19. Juvenile.

20. Juvenile Offender.

حقوقی که مفهوم سن مسئولیت جزایی مطرح است شروع این سن در سطح خیلی پایینی تعیین نخواهد شد و واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی مدنظر قرار خواهد گرفت».

بنابراین، قواعد بیجینگ به درستی از واژه‌ی نوجوان به‌جای واژه‌ی طفل استفاده کرده است، زیرا بلوغ چیزی نیست که در یک شب حادث شود، بلکه امری است تکوینی و تدریجی به همین سبب در تحقیقات روان‌شناسی از دوران بلوغ یا نوجوانی بحث می‌شود و نه از سن بلوغ؛ در حقیقت نوجوانی دوره‌ای طولانی است که محور آن بلوغ بوده و دارای سه مرحله است:

۱. دوره‌ی پیش از بلوغ (مثلاً در پاره‌ای از کشورهای اروپای غربی، یازده تا دوازده سال نزد دختران و سیزده تا چهارده سال نزد پسران)؛
۲. دوره‌ی بلوغ (سیزده سال نزد دختران و چهارده سال نزد پسران)؛
۳. دوره‌ی پس از بلوغ (در دختران شانزده تا هفده سالگی و در پسران تا هجده سالگی).^{۲۱}

لذا مقررات بیجینگ درصدد حمایت از کلیه‌ی کسانی است که در دوران نوجوانی به سر می‌برند اعم از این که بتوان لفظ کودک را بر آنان اطلاق کرد یا خیر؟ از این رو، در ماده‌ی ۲-۳ این سند تاکید شده که تلاش‌هایی به عمل خواهد آمد تا اصول مندرج در این قواعد شامل حال بزه‌کاران جوان بالغ نیز بشود.

به دلیل ناهماهنگی کشورها در تعیین محدوده‌ی سنی مشخص برای شناسایی کودک یا نوجوان، اسناد بین‌المللی به تدریج تلاش کرده‌اند تا این محدوده را معین کنند- لذا در اسناد جدیدتر بیش‌تر شاهد تعیین سن هجده سالگی برای افراد تحت حمایت اسناد مذکور هستیم. پیمان حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ که یک سند بین‌المللی الزام‌آور است، در

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص. ۱۲.

ماده‌ی یک خود صراحتاً کودک را تعریف کرده است. در این ماده آمده است: «از نظر این پیمان منظور از کودک افراد انسانی زیر هجده سال است. مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود.»

هر چند این پیمان تعریفی از کودک به دست می‌دهد، اما باز هم براساس ماده‌ی یک تشخیص این که کودک به چه کسی اطلاق می‌شود بسته به قوانین داخلی هر کشور متفاوت خواهد بود. اختیاری که در این زمینه به کشورها داده شده در جهت احترام به نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای عضو است؛ اما این امر می‌تواند منجر به نقض حقوق کودک شود که هدف اصلی این پیمان است، زیرا در برخی از کشورها از جمله ایران سن بسیار پایینی برای تشخیص طفل تعیین شده است.

با وجود این که ماده‌ی یک پیمان حقوق کودک تعیین سن کودکی را به کشورهای عضو واگذار کرده و بین وضعیت حقوقی و کیفری اطفال تفاوتی قائل نشده است، به نظر می‌رسد نویسندگان این پیمان در جایی که حقوق کیفری اطفال مدنظر است سن هجده سال را ملاک می‌دانند و در این مورد به کشورهای عضو اختیاری نداده‌اند. زیرا بند الف ماده‌ی ۳۷ پیمان مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان بخشودگی را برای کلیه افراد زیر هجده سال ممنوع اعلام کرده است.

قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی یکی دیگر از اسناد بین‌المللی است که در آن به سن معینی برای تبیین مفهوم نوجوان اشاره شده است. بند «الف» ماده‌ی ۱۱ این سند می‌گوید: «نوجوان فردی است زیر سن هجده سال. سنی که زیر آن کودک را نمی‌توان مشمول اقدامات سالب آزادی نمود و توسط قانون تعیین می‌شود.» در سند فوق ضمن تفکیک بین نوجوان و کودک، سن هجده سالگی برای پایان نوجوانی ملاک قرار گرفته است، اما باز هم تعیین قلمرو کودکی به قوانین کشورهای عضو واگذار شده است.

۲. مفهوم طفل در قلمرو اسناد منطقه‌ای

۲-۱. در قلمرو اسناد عام منطقه‌ای

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۴۸ که یکی از

قدیمی‌ترین اسناد منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر است تعریفی از نوجوان و یا کودک ارائه نکرده و مقررات آن نیز جنبه‌ی عام دارد و به طور افتراقی به کودکان یا نوجوان توجه نکرده است؛ تنها در ماده‌ی ۶ این کنوانسیون که مربوط به حق بر دادرسی عادلانه است تصریح شده که هرگاه منافع نوجوانان ایجاب کند از ورود مطبوعات و شرکت عموم در جلسه‌ی دادگاه جلوگیری می‌شود و در حقیقت دادگاه غیرعلنی خواهد بود؛ با این حال، این کنوانسیون مشخص نکرده که منظور از نوجوان چه کسی است.

هم‌چنین، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ صراحتاً کودک را تعریف نکرده است. اگر چه در این کنوانسیون هم سن هجده سالگی مورد توجه واضعان آن قرار گرفته است. در بند ۵ ماده‌ی ۴ این کنوانسیون تصریح شده است اشخاصی که به هنگام ارتکاب جرم کم‌تر از هجده سال داشته باشند به مجازات اعدام محکوم نخواهند شد. اما در سایر مواد این کنوانسیون هر چند به حقوق کودک توجه شده اما معیاری برای آن در نظر گرفته نشده است. به عنوان مثال، ماده‌ی ۱۹ این کنوانسیون اشعار می‌دارد: «هر کودک حق دارد از تدابیر حمایتی‌ای برخوردار گردد که به اقتضای وضعیت صغر وی از طرف خانواده، جامعه و دولت به عمل می‌آید». در ماده‌ی ۵ این کنوانسیون نیز مجدداً از واژه‌ی کودک استفاده شده و تأکید شده است کودکانی که تحت پیگرد جنایی هستند باید از بزرگسالان تفکیک شوند.

نکته‌ی قابل توجه دیگری که در این کنوانسیون مطرح است این که در ماده‌ی ۲۷ کنوانسیون که به تعلیق تضمینات پیش‌بینی در شرایط خاص اختصاص دارد تعلق برخی موارد از جمله ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون که اختصاص به حقوق کودک دارد منع شده است. در این سند نیز تعریفی از طفل ارائه نشده است، اما ماده‌ی ۱۸ آن در بند سوم خود می‌گوید: «دولت باید حمایت از حقوق زن و کودک را همان‌گونه که در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مقرر شده است تضمین کند».

در اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر هم هر چند در ماده‌ی ۷ به حقوق کودک توجه شده، اما هیچ معیاری برای تشخیص کودک ارائه نشده است.

۲-۲. در قلمرو اسناد ویژه منطقه‌ای

براساس ماده‌ی یک منشور حقوق کودک در اسلام «منظور از کودک کسی است که براساس قانون قابل اعمال بر وی، به بلوغ نرسیده باشد». از این رو، منشور حقوق کودک در اسلام نیز رسیدن به بلوغ را معیاری برای پایان دوره‌ی کودکی در نظر گرفته است، اما سنی برای آن تعیین نکرده است و تشخیص رسیدن به بلوغ را موکول به قانون قابل اجرا، یعنی قانون کشور متبوع کرده است. با نگاهی موشکافانه به اسناد بین‌المللی موجود در زمینه‌ی حقوق اطفال می‌توان دریافت که اصولی چند، اگر چه نه به طور صریح، مدنظر تدوین‌کنندگان آن‌ها قرار گرفته است:

۱. نگرش یکسان و بدون تبعیض به مفهوم طفل

در پرتو این اصل هیچ‌گونه تبعیضی در تعریف طفل میان دختر و پسر وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، هر چند در بسیاری از این اسناد، تعریفی از طفل ارائه نشده است، هر جا که واژه‌ی طفل به کار رفته دختر و پسر به طور برابر مورد حمایت قرار گرفته‌اند. این اصل نخستین اصلی است که در اعلامیه‌ی حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال ماده‌ی یک پیمان حقوق کودک بدون هیچ تفکیکی میان دختر و پسر تمامی افراد زیر هجده سال را کودک تلقی کرده است. در اسنادی هم که به تعریف طفل مبادرت نکرده‌اند اصولی موجود است که همگان را به طور یکسان مورد حمایت قرار می‌دهد که از میان آن‌ها می‌توان به بند ۱ ماده‌ی ۲ و ماده‌ی ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به طور عام برابری را مدنظر قرار داده و ماده‌ی ۲۴ این میثاق که به طور خاص بر برابری کودکان تاکید کرده و صراحتاً اعلام می‌کند: «هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس و... باید از تدابیر حمایتی برخوردار گردد» اشاره نمود. افزون بر این میثاق، قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانانی که آزادی آن‌ها سلب شده است نیز در ماده‌ی ۴ بر این برابری تاکید کرده است و در ماده‌ی ۱۱ به طور عام و بدون تفکیک بین دختر و پسر، نوجوان را فردی زیر هجده سال تعریف کرده است. همچنین، ماده‌ی ۲۴

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده‌ی دوم کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و خلقی همگی بر حمایت بدون تبعیض افراد تاکید ورزیده‌اند.

۲. پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی

پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی به جای مسئولیت کیفری جهشی، در فرآیند انتقال فرد از عدم مسئولیت مطلق (کودکی) تا رسیدن به مسئولیت کیفری تام (بزرگسالی) باعث می‌شود سیاست کیفری افتراقی به نحو معقول در خصوص بزه کاران کودک اجرا شود.^{۲۲} بنابراین، لازم است بین سن بلوغ کیفری و سن مسئولیت کیفری قائل به تفکیک شد. سن مسئولیت کیفری در معنای خاص و یا سن مسئولیت کیفری نسبی، سنی است که پس از رسیدن به آن اطفال می‌توانند تابع حقوق کیفری ویژه‌ی اطفال قرار گیرند؛ اما سن بلوغ کیفری یا سن مسئولیت کیفری تام (مطلق) سنی است که پس از رسیدن به آن، فرد بزرگسال تلقی شده و به طور تام مشمول حقوق جزا قرار می‌گیرد. در اسناد بین‌المللی هم همواره بر این اصل تاکید شده است که تحمیل مسئولیت کیفری بر افراد نباید یک‌باره صورت گیرد، بلکه باید با توجه به فرآیند تکوین بلوغ، به صورت تدریجی بر آنان بار شود. به همین سبب، در برخی اسناد بین‌المللی از واژه‌ی نوجوان و دوران نوجوانی استفاده شده که بیان‌گر پذیرش تدریجی بودن مسئولیت کیفری است. به عنوان مثال، در قواعد بیجینگ در تعریف نوجوان به کودک یا فرد کم‌سالی اشاره شده که مشمول رفتاری متفاوت از افراد بالغ در قبال بزه کاری است.^{۲۳} هم‌چنین، در ماده‌ی ۴ این مقررات تاکید شده است سن مسئولیت کیفری نباید در سطحی خیلی پایین تعیین شود.

در بند ۱ ماده‌ی ۴۰ پیمان حقوق کودک به تدریجی بودن مسئولیت کیفری هم توجه شده است. در این ماده صراحتاً تاکید شده که کشورهای عضو باید با در نظر گرفتن سن

۲۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۱.

۲۳. بند الف و ج ماده ۲-۲ قواعد بیجینگ

کودک خواهان افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده باشند. هم‌چنین، در بند ۳ همین ماده تاکید شده است «کشورها باید حداقل سن برای نقض قانون کیفری، به نحوی که در این سن کودک فاقد مسئولیت کیفری باشد را تعیین کنند.» بنابراین، در پیمان حقوق کودک با وجود این که کلیه‌ی افراد زیر هجده سال در تعریف کودک گنجانیده شده‌اند، بین سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک شده است. سن بلوغ کیفری و وارد شدن به دنیای بزرگسالی بر اساس این سند الزام‌آور و بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر، بدون تفکیک بین دختر و پسر، هجده سالگی است. سن بلوغ کیفری تقریباً در تمامی کشورهای اروپایی همان هجده سالگی است، اما سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی متغیر و معمولاً بین هفت تا شانزده سال است.^{۲۴}

پ) مفهوم طفل در نظام حقوقی ملی

۱. مفهوم طفل در نظام کیفری ایران

۱-۱. در نظام کیفری پیشین

در حوزه‌ی قوانین کیفری ایران، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ نخستین قانونی بود که به وضعیت اطفال و نوجوانان توجه ویژه نمود. از زمان انقلاب مشروطه تا پیش از تصویب این قانون در ایران مقررات خاصی در زمینه‌ی اطفال بزه‌کار وجود نداشت، دادگاه‌های بزرگسالان به جرایم اطفال رسیدگی می‌کردند و زندان خاصی هم برای آنان پیش‌بینی نشده بود. اما در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ «قوه‌ی تمیز» ضابطه‌ی تفکیک قرار گرفت. ماده‌ی ۳۴ قانون مذکور مقرر می‌داشت: «اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم نمود و در امور جزایی هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد حکم غیرممیز را دارد.» بنابراین، در قانون مزبور که تاریخ تصویب آن سال‌ها پیش از تصویب اعلامیه‌ی جهانی

۲۴. تدین، عباس، سن «مسئولیت کیفری اطفال و واکنش‌های اجتماعی در برابر بزه‌کاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، معاونت آموزش پلیس پیش‌گیری، چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۴.

حقوق کودک است، علاوه بر پیش‌بینی یک سیاست افتراقی در خصوص اطفال بزه‌کار، سن مسئولیت کیفری از سن بلوغ کیفری تفکیک شده است و مسئولیت کیفری به صورت تدریجی بر اطفال بار می‌شود. مطابق با این قانون سن مسئولیت کیفری دوازده سال و سن بلوغ کیفری هجده سال است و در این خصوص هیچ‌گونه تمایزی میان دختر و پسر وجود ندارد. اطفال بزه‌کار براساس این قانون در سه رده‌ی سنی شش تا دوازده سال، دوازده تا پانزده سال و پانزده تا هجده سال قرار می‌گرفتند که اطفال زیر دوازده سال به والدین آن‌ها سپرده شده و در خصوص دو دسته‌ی دیگر نیز مجازات‌های متفاوتی در نظر گرفته شده بود.^{۲۵}

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار (۱۳۳۸) نخستین قانونی است که در تاریخ قانون‌گذاری ایران برای رسیدگی اختصاصی به جرایم اطفال بزه‌کار به تصویب رسیده است. این قانون که یکی از مترقی‌ترین قوانین در عصر خود به شمار می‌رود، همانند قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اطفال بزه‌کار را بدون تفکیک از لحاظ جنس، به سه دسته‌ی شش تا دوازده سال، دوازده تا پانزده سال و پانزده تا هجده سال تقسیم نموده است که هر یک مشمول اقدامات جداگانه قرار می‌گیرند.^{۲۶} مطابق با قانون مزبور نیز سن بلوغ کیفری هجده سال و مسئولیت کیفری به صورت تدریجی است.

قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ در ماده‌ی ۳۳ مقرر کرده بود که نسبت به جرایم اطفال، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار اجرا می‌شود و در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده است، رسیدگی به جرایم اطفال برحسب سن آنان به دو گروه تقسیم می‌شود، کودکانی بین شش تا دوازده سال است و کودکانی بین دوازده تا هجده سال است. لذا این قانون هم سن بلوغ کیفری را هجده سال قرار داده و سن مسئولیت کیفری تدریجی را پذیرفته بود؛ علاوه بر این که تمایزی میان دختر و پسر قائل نشده بود.

۲۵. شامیاتی، هوشنگ، بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ژوبین، چاپ دهم، ۱۳۸۰، ص. ۵۴.

۲۶. مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار ۱۳۳۸.

۱-۲. در نظام کیفری کنونی

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن، در مقررات ناظر به حدود مسئولیت جزایی اطفال تغییراتی به وجود آمد و ملاک مورد نظر قانون‌گذار برای تعریف طفل، رسیدن به سن بلوغ شرعی تعیین شد. چنان‌که تبصره‌ی یک ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی در تعریف طفل می‌گوید: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد».

هر چند قانون مجازات اسلامی در تعریف طفل به همین حد بسنده کرده و سن خاصی را در تعریف آن ملاک قرار نداده است، اما سن بلوغ شرعی در قانون مدنی تعیین شده و ماده‌ی ۱۲۱۰ سن بلوغ را در دختر نه سال تمام قمری و در پسر پانزده سال تمام قمری تعیین کرده است. نکته‌ی قابل توجه در ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی این است که قانون مذکور مسئولیت کیفری جهشی را جای‌گزین مسئولیت کیفری تدریجی، که در قوانین پیشین پذیرفته شده بود، کرده است.^{۲۷} این در حالی است که در این قانون با الهام از فقه اسلامی به صغیر ممیز و صغیر غیرممیز اشاره شده است؛ بدون این که وجه تمایز آنان را مشخص کند و یا تعریفی از آن ارائه دهد. از این رو با توجه به این که فقه اسلامی براساس اصل چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منبع اصلی قانون مجازات اسلامی ایران به شمار آمده و از آن‌جا که سن مسئولیت کیفری از مسائل فقهی مورد اختلاف فقهای عظام می‌باشد، لازم است برای تبیین مفهوم بلوغ و یافتن ملاکی برای تشخیص طفل ممیز از طفل غیرممیز منابع فقهی مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به این پرسش پاسخ داد که آیا سن تعیین شده در قانون مدنی ایران امری مطلق و غیرقابل تغییر است یا این که برای رسیدن به بلوغ و در نتیجه پذیرش مسئولیت کیفری، عوامل دیگری غیر از رسیدن به یک سن معین لازم است؟

۲۷. خواجه‌نوری، یاسمن، «تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک»، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص. ۳۴.

علاوه بر این، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نخستین قانونی است که پس از انقلاب اسلامی ایران در جهت حمایت از این قشر آسیب‌پذیر به تصویب رسیده است و چتر حمایتی خود را بر تمامی افراد زیر هجده سال گسترانیده است. این قانون که در پی فرآیند جهانی شدن و به دنبال الحاق ایران به پیمان حقوق کودک وضع شده است؛ هر چند با تاخیر حدوداً ده ساله، سعی داشته تا به تعهدات بین‌المللی ایران در این زمینه جامه‌ی عمل بپوشاند. نکته‌ی قابل توجه در خصوص قانون مذکور، ماده‌ی ۱ آن است که اشعار می‌دارد: «کلیه‌ی اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند». از این رو قانون فوق بدون آن که ذکر از واژه‌ی کودک به میان آورد، چتر حمایتی خود را بر سر تمامی افراد زیر هجده سال، بدون تبعیض میان دختر و پسر، گسترانیده است. اگر چه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به قانون کودک‌آزاری شهرت یافته است و از این رو بیش‌تر اطفال بزه‌دیده را شامل می‌شود اما براساس ماده‌ی ۳ این قانون «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع است». بنابراین می‌توان دریافت که در بسیاری از موارد طفل بزه‌کار در حقیقت خود بزه‌دیده‌ی اعمال مجرمانه‌ی بزرگسالان است. این ماده که در راستای اهداف پیمان حقوق کودک (به ویژه مواد ۳۴ و ۳۹ که به بهره‌کشی از کودکان توجه داشته است) وضع شده کلیه‌ی افراد زیر هجده سال اعم از دختر و پسر را مورد حمایت قرار داده است.

در لایحه‌ی مجازات اسلامی، بلوغ از طریق ماده‌ی ۱۳۹ به عنوان یکی از ارکان اصلی مسئولیت کیفری معرفی شده است. مطابق این ماده «مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد». در همین راستا، نویسندگان این لایحه به تبیین دوره‌ی طفولیت و مفهوم بلوغ مبادرت ورزیده‌اند، زیرا بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۴۵ «افراد نابالغ دارای مسئولیت کیفری نیستند». در واقع، این دسته از افراد قابلیت سرزنش‌پذیری کیفری نداشته و به همین جهت نظام عدالت کیفری نمی‌تواند بر آنان مجازات تحمیل کند. به هر رو، تدوین‌کنندگان لایحه‌ی مذکور به موجب ماده‌ی ۱۴۶ سن بلوغ را مانند قانون مجازات اسلامی همان بلوغ شرعی معرفی نموده‌اند؛ به این صورت

که «سن بلوغ، به ترتیب در دختران و پسران، نه و پانزده سال تمام قمری است». اگر چه در این ماده برای تعریف دوره‌ی طفولیت معیار بلوغ شرعی مورد توجه قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد نویسندگان لایحه از رهگذر ماده‌ی ۹۰ و ملاک قرار دادن «درک/ رشد کیفری» دوره‌ی کودکی را توسعه بخشیده و با اندکی تسامح معیار بلوغ کیفری را تا سن هجده سال پیش برده‌اند. زیرا براساس این ماده «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کم‌تر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد». پیداست که در جرم‌های دارای کیفر حد و قصاص (اعم از قصاص نفس و اطراف) امکان تغییر ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده وجود دارد و برای این امر نیز احراز عدم رشد کیفری مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب، تدوین‌کنندگان لایحه با وجود فراهم آوردن امکان تعدیل پاسخ‌های پیش‌بینی شده همواره در گسترش دوره‌ی طفولیت به شکل صریح تردید داشته و به طور ضمنی آن هم در خصوص شماری از گونه‌های بزه‌کاری آن را قبول نموده‌اند. البته، از سوی دیگر تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۸۷ نیز با معرفی این سیاست که: «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «د» و یا «ه» محکوم شده و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف»، «ب» تا «ج» در مورد آن‌ها اتخاذ خواهد شد». به تردید در زمینه‌ی محدود کردن دوره‌ی طفولیت به بلوغ شرعی افزوده است. به هر رو، ملاحظه می‌شود که در قلمرو لایحه‌ی مجازات اسلامی دوره‌ی طفولیت اگرچه ظاهراً به بلوغ شرعی محدود گردیده ولی این تدبیر از رهگذر شمار دیگری از مواد تعدیل شده و به گونه‌ای امکان توسعه‌ی این دوره وجود دارد.

۲. مفهوم طفل در نظام کیفری افغانستان و ترکیه

۲-۱. در نظام کیفری افغانستان

در کشور افغانستان قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ به منظور

رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از حقوق بشر و به خصوص منافع اطفال و تعیین طرز رسیدگی به جرایم اطفال مختلف، اطفال در معرض خطر و اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و تامین حقوق آن‌ها در جریان تحقیق و محاکمه به تصویب رسیده است.^{۲۸} بر این اساس این کشور دارای یک قانون خاص برای رسیدگی به جرایم اطفال است که در بردارنده‌ی مسائل ماهوی و شکلی مربوط به این دسته از بزه‌کاران است. مطابق ماده‌ی چهارم این قانون، اطفال در چهار دسته‌بندی شده‌اند:

۱. طفل: شخصی است که هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد؛
 ۲. طفل غیرمميز: شخصی است که هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد؛
 ۳. طفل ممیز: شخصی است که هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد؛
 ۴. طفل نوجوان: شخصی است که دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.
- با توجه به این ماده می‌توان گفت در کشور افغانستان به کلیه‌ی افرادی که به سن هجده سالگی نرسیده‌اند طفل اطلاق می‌شود و در این خصوص هیچ تفاوتی میان دختر و پسر وجود ندارد.
- سن مسئولیت کیفری در این کشور از دوازده سالگی آغاز می‌شود و براساس بند ۱ ماده‌ی پنجم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال «شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جرم مسئولیت جزایی به او راجع نمی‌شود». و در بند دوم این ماده تصریح شده است «هرگاه جرم مرتکبه مندرج در بند یک این ماده ناشی از غفلت والدین بوده و موجب ضرر مادی شود، والدین به جبران آن مکلف می‌شوند».
- بنابراین، در کشور افغانستان سن بلوغ کیفری از سن مسئولیت کیفری تفکیک شده و قانون‌گذاران این کشور مسئولیت کیفری تدریجی را مدنظر قرار داده‌اند، به‌طوری که سن

۲۸. ماده‌ی ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال کشور افغانستان ۱۳۸۳.

مسئولیت کیفری از دوازده سالگی آغاز می‌شود و افراد پس از رسیدن به این سن از یک مسئولیت کیفری نسبی برخوردار هستند و پس از پایان هجده سالگی این مسئولیت کامل شده و شخص به سن بلوغ کیفری می‌رسد. از این رو در کشور افغانستان مصلحت طفل محور قانون‌گذاری قرار گرفته است و در همین راستا در ماده‌ی ۶ این قانون تصریح شده که هرگاه طفل فاقد شناسنامه بوده و یا سن مندرج در شناسنامه با وضعیت ظاهری وی مطابقت نداشته باشد نظر پزشک قانونی برای تعیین سن واقعی طفل خواسته می‌شود و اگر نظر پزشک قانونی با سن مندرج در شناسنامه مغایر باشد موضوع به هیئتی از پزشکان قانونی که کم‌تر از سه نفر نباشند ارجاع داده می‌شود، تا بدین وسیله حقوق طفلی که سن واقعی او از سن مندرج در شناسنامه‌ی وی کم‌تر است ضایع نشود. با توجه به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت کشور افغانستان هم‌گام با اسناد بین‌المللی در راستای جهانی شدن گام برداشته و همان‌طور که در بند ۴ از ماده‌ی ۲ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال تاکید شده یکی از اهداف وضع این قانون رعایت تعهدات مندرج در پیمان حقوق کودک است.

۲-۲. در نظام کیفری ترکیه

طفل در قانون جزای کشور ترکیه عبارت است از: «کسی که به سن هجده سالگی نرسیده باشد»^{۲۹} قانون‌گذار ترکیه در تعریف طفل تفاوتی میان دختر و پسر قائل نشده و در راستای جهانی شدن مفهوم طفل، همان تعریفی را از طفل ارائه داده که در پیمان حقوق کودک آمده است. در باب مسئولیت کیفری، ماده‌ی ۳۱ قانون جزای این کشور اقدام به طبقه‌بندی اطفال نموده است. براساس ماده‌ی (۱)-۳۱ «اطفال زیر دوازده سال فاقد مسئولیت کیفری هستند و در صورت ارتکاب جرم مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند».

از این رو، سن آغاز مسئولیت کیفری دوازده سالگی است و اطفالی که به این سن نرسیده‌اند، تابع حقوق کیفری تلقی نمی‌شوند. افزون بر این قانون‌گذار ترکیه در خصوص

۲۹. بخش «ب» از ماده‌ی ۱-۶ قانون جزای ترکیه مصوب ۲۰۰۴/۱۰/۱۲ میلادی.

اطفال دوازده تا پانزده سال هم اصل را بر عدم مسئولیت کیفری قرار داده و شرایطی را برای مجازات این افراد تعیین کرده است. قسمت دوم ماده‌ی ۳۱ در این خصوص اشعار می‌دارد: «افرادی که به سن دوازده سالگی رسیده‌اند ولی در تاریخ ارتکاب جرم پانزده سالگی را کامل نکرده‌اند، توانایی درک معنای قانون و عواقب جرم ارتکابی را ندارند و یا نمی‌توانند اعمال خود را کنترل کنند، فاقد مسئولیت کیفری برای ارتکاب چنین رفتاری هستند و اقدامات تأمینی و احتیاطی ویژه‌ی کودکان برای این افراد اعمال می‌شود، و اگر این افراد توانایی درک جرم ارتکابی، یا توانایی کنترل رفتاری که به جرم ارتکاب یافته مربوط می‌شود را دارا باشند، ممکن است برای ارتکاب جرایمی که مجازات آن حبس ابد سنگین است به حبس از نه تا دوازده سال، و در مورد جرایمی که مجازات آن حبس ابد است به هفت تا هشت سال حبس محکوم شوند و در مورد سایر جرایم، مجازات حبس برای این افراد بیش‌تر از شش سال نخواهد بود».

ماده‌ی فوق که از منظر جرم‌شناسی اطفال بسیار حائز اهمیت و بیان‌گر این است که قانونگذار ترکیه با در نظر گرفتن آموزه‌های جرم‌شناسی در خصوص اطفال بزه‌کار، اقدام به قانون‌گذاری کرده است.

تحقیقات جرم‌شناسی نشان می‌دهند که احساسی بودن و اتفاقی بودن، یکی از ویژگی‌های بزه‌کاری اطفال است. منظور از اتفاقی بودن بزه‌کاری اطفال این است که معمولاً ارتکاب جرم به علت عدم آگاهی و عدم توجه به نتایج حاصله از اعمال مجرمانه، تبعیت از احساسات و عواطف و بدون سبق تصمیم و پیش‌بینی قبلی صورت می‌گیرد.^{۳۰} لذا این دسته از بزه‌کاران معمولاً فاقد حالت خطرناک هستند و پاسخ عدالت کیفری در برابر آنها باید به صورت اقداماتی حمایتی باشد و نه اعمال مجازات کیفری. و این همان چیزی

۳۰. نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص. ۶۳.

است که در ماده‌ی (۲)-۳۱ قانون جزای ترکیه مدنظر قرار گرفته است و تشخیص این که نوجوان پانزده تا هجده ساله توانایی درک عواقب جرم و قدرت خودکنترلی را داراست یا خیر؟ به عهده‌ی قاضی واگذار شده است؛ این امر بیان‌گر توجه ضمنی قانون‌گذار ترکیه به تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای نوجوانان بزه‌کار است.

در خصوص کسانی که بین سنین پانزده تا هجده سال قرار دارند، ماده‌ی (۳)-۳۱ تعیین تکلیف کرده است. مطابق این ماده «کسانی که حین ارتکاب جرم به سن پانزده سال کامل رسیده‌اند اما هجده سالگی را کامل نکرده‌اند برای ارتکاب جرایمی که مجازاتشان حبس ابد سنگین است به چهارده تا بیست سال حبس، و برای جرایم مستوجب حبس ابد به نه تا دوازده سال حبس محکوم می‌شوند. در مورد سایر مجازات‌ها نیز به میزان یک دوم مجازات قانونی، از مجازات این افراد کاسته می‌شود و در هر حالت مجازات آنان بیش‌تر از هشت سال حبس نخواهد بود».

با توجه به ماده‌ی ۳۱ قانون جزای کشور ترکیه می‌توان گفت که این کشور در راستای جهانی شدن حقوق کیفری اطفال، مسئولیت کیفری تدریجی را مبنای قانون‌گذاری قرار داده است و یک سیاست افتراقی برای کسانی که به سن هجده سالگی نرسیده‌اند در پیش گرفته است. هم‌چنین همان‌طور که اسناد بین‌المللی توصیه کرده‌اند^{۳۱} سن مسئولیت کیفری نسبی و از سوی قانون‌گذار تعیین شده است و این سن نیز سنی بسیار پایین نمی‌باشد.

در عرصه‌ی سیاست جنایی ملی و بین‌المللی تدابیر، مقررات و رویه‌هایی هم‌سو در حوزه‌ی عدالت کیفری اطفال بزه‌کار شکل گرفته است؛ این سیاست‌ها و مقررات با

۳۱. ماده‌ی (۱)-۴ حداقل مقررات سازمان ملل برای مدیریت دادگستری اطفال و بند «الف» ماده‌ی ۱۱ قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی.

روی‌کردی کودک‌مدارانه حکایت از یک هم‌گرایی جهانی در زمینه‌ی تشکیلات رسیدگی‌کننده و پاسخ‌دهنده به بزه‌کاری اطفال، تشریفات و موازین ناظر به نحوه‌ی برخورد نظام عدالت کیفری با این دسته و نوع و ماهیت پاسخ‌های سیاست جنایی در قبال این گروه از بزه‌کاران دارد.

نتیجه‌گیری

امروزه بزه‌کاری اطفال واقعیتی انکارناپذیر در جامعه‌ی بشری است. آمارها نشان می‌دهند که هر روزه شماری از کودکان هنجارهای اساسی جامعه را نقض می‌کنند و مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند. بدیهی است که برای مهار بزه‌کاری این دسته و پاسخ‌دهی به رفتار آنان و کاهش احتمال ماندگاری آنان در عرصه‌ی بزه‌کاری باید به دنبال چاره بود. با وجود همه‌ی نوساناتی که در گستره‌ی حقوق کیفری اطفال می‌توان برشمرد، پس از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک و مهم‌تر از آن پیمان حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ پایه‌های مقوله‌ای جدید در عرصه حقوق کیفری پی‌ریزی شد؛ بنیانی که می‌توان امروز آن را جهانی شدن حقوق کیفری اطفال نامید. جهانی شدن حقوق کیفری اطفال با وجود همه‌ی تعبیرها و نگرش‌های مختلفی که نسبت به آن وجود دارد به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شده است. یکپارچه‌سازی، هم‌گرایی و هماهنگ‌سازی بارزترین الگوهای جهانی شدن حقوق کیفری هستند که به نظر می‌رسد در قلمرو حقوق کیفری اطفال الگوی سوم یعنی هماهنگ‌سازی بیش از سایر الگوها مورد توجه قرار گرفته است، زیرا در پرتو الگوی یکپارچه‌سازی واقعیت‌های فرهنگی یک جامعه نادیده انگاشته می‌شوند و الگوی دوم نیز در عمل چالش‌های متعددی پدید می‌آورد. از همین رو، الگوی سوم یعنی هماهنگ‌سازی مورد استقبال کشور ما واقع شده است. الگویی که در پرتو آن، از یک سو ماهیت بومی و ملی حقوق کیفری حفظ می‌شود و از سوی دیگر موجبات هم‌سویی در زمینه‌ی پاسخ‌دهی به رفتار مجرمانه‌ی اطفال، از رهگذر پذیرفتن اصول بنیادین ناظر به این حوزه فراهم می‌شود. در این روش از جهانی شدن، کشورها اعم از رومی - ژرمنی، کامن‌لا و غیره با تمام تفاوت‌هایی که در زمینه‌ی نوع حاکمیت، سیستم قضایی و نحوه قانون‌گذاری و غیره دارند، یک سری اصول مادر را چراغ راه خود قرار داده و خود را ملزم به حرکت در پرتو آن می‌دانند، بی آن که در این مسیر لزوماً گام‌هایی همانند هم بردارند. این اصول راهبردی و مادر به عنوان ارزش‌های جهانی حقوق کیفری مورد پذیرش کشورهای جهان قرار گرفته‌اند و هر کشور به گونه‌ای درصدد حمایت از آنهاست. این هماهنگ‌سازی در حوزه‌ی الگوی حاکم بر عدالت کیفری اطفال روی کرد

حمایتی به خود گرفته است. به این صورت که در حوزه‌ی حقوق کیفری اطفال الگوهای متعددی برای پاسخ‌دهی وجود دارد که در این میان الگوی حمایتی که شامل غلبه یافتن نگرش‌های اصلاحی - درمانی و ترمیمی است با لحاظ منافع اطفال درصدد پاسخ‌دهی می‌باشد. در واقع در پرتو الگوی حمایتی، اطفال بزه‌کار مورد حمایت قرار گرفته تا به واسطه‌ی اقدام‌های حمایتی موجبات اصلاح و درمان آنان فراهم شود، زیرا در این بستر این گونه پنداشته می‌شود که اطفال در یک بستر نامناسب پرورش یافته و فرآیند جامعه‌پذیری آنان به دلیل کوتاهی‌های محیط خانواده، مدرسه و ... به درستی طی نشده است. پس به جای سرکوب این دسته که از توانایی و درک کافی برخوردار نیستند باید نسبت به حمایت از آنان و ایجاد بستر مناسب به منظور برطرف ساختن خلاءهای فرآیند جامعه‌پذیری اقدام شود. این الگو امروزه به این جهت که دارای پایه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسانه است جنبه‌ی جهانی به خود گرفته و کشورها برای به رسمیت شناختن آن با یکدیگر هماهنگ شده‌اند. به همین منظور است که در شماری از اسناد بین‌المللی مانند پیمان حقوق کودک، حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری نوجوان و ... الگوی حمایتی شناسایی شده است. حتی شماری از کشورها مانند ترکیه و افغانستان این الگو را با در نظر داشتن واقعیت‌های مربوط به بزه‌کاری اطفال پذیرفته‌اند. با وجود این به نظر می‌رسد در قلمرو سیاست جنایی ایران این رویکرد به گونه‌ای متزلزل و با تردیدهای فراوان مورد پذیرش قرار گرفته است، زیرا از یک سو در صدر ماده‌ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی از پاسخ‌های اصلاحی درمانی سخن به میان آمده است و از سویی دیگر در تبصره‌ی ۲ همین ماده تنبیه بدنی اطفال بزه‌کار که یقیناً ماهیتی سزاده و نه حمایتی دارد پیش‌بینی گردیده است. روشن است که قانون‌گذار ایران در پذیرفتن الگوی حمایتی برای این دسته از بزه‌کاران، که مطلقاً مسئولیت کیفری ندارند، مردد است.

این در حالی است که در قلمرو حقوق کیفری ترکیه و افغانستان این تردیدها پایان پذیرفته و امروزه از طریق به رسمیت شناختن الگوی حمایتی خود را با الگوهای سیاست‌های جهانی در این زمینه هماهنگ ساخته‌اند.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در زمینه‌ی جهانی شدن حقوق کیفری اطفال مطرح

می‌شود این است که اساساً طفل به چه کسی اطلاق می‌گردد و به تبع آن مسئولیت کیفری از چه سنی آغاز می‌شود؟ پاسخ به این پرسش در حقیقت محدوده‌ی افرادی را که باید مورد حمایت ویژه‌ی قانون قرار گیرند تعیین می‌کند. از منظر اسناد بین‌المللی تمام کسانی که به هجده سالگی نرسیده‌اند نیازمند یک سیاست کیفری افتراقی می‌باشند و پیروی از یک الگوی حمایتی برای پاسخ به اعمال مجرمانه‌ی آنان الزام‌آور است.

از سوی دیگر، پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی امری ضروری است. از این رو، اسناد بین‌المللی با وجود این که افراد زیر هجده سال را گاه تحت عنوان کودک (پیمان حقوق کودک) و گاه با عنوان نوجوانان (مقررات پکن)، نیازمند حمایت دانسته‌اند تعیین حداقل سن قانونی برای شروع مسئولیت کیفری را به کشورها واگذار کرده‌اند و این نمایان‌گر تأکید بر پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی است.

شناسایی طفل از مسائل مهم حقوق کیفری اطفال است که متأسفانه سیاست تقنینی ایران در ارائه‌ی تعریفی آن هم‌چنان سرگردان است.^{۳۲} که قوانین مختلف از جمله قوانین بانکی، قوانین راهنمایی رانندگی، قانون انتخابات و قانون مجازات اسلامی هر یک به گونه‌ای متفاوت دوران طفولیت را تعریف کرده‌اند و در تمامی قوانین به استثنای قانون مجازات اسلامی دوران کودکی در دختر و پسر در یک تاریخ به پایان می‌رسد. از این رو لازم است قانون‌گذاران کیفری در این زمینه تبعیض بین دختر و پسر را کنار گذاشته علاوه بر پذیرفتن مسئولیت کیفری تدریجی، سنی را که بیش‌تر با استانداردهای جهانی هماهنگی دارد به عنوان پایان دوره‌ی کودکی تعیین کنند.

۳۲. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص. ۷۷.

منابع

۱. آشناگر، داریوش، «جهانی شدن و امپریالیسم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۲۶۷ و ۲۶۸.
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
۳. به کیش، محمدهادی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۴. دیوید هلد و آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۲.
۵. پرادل، ژان، «به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری»، ترجمه‌ی محمدمهدی ساقیان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۱۱، ۱۳۸۲.
۶. توحیدی‌فر، محمد، «فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری»، مجله مدرس، شماره‌ی ۴، ۱۳۸۸.
۷. تدین، عباس، «سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنش‌های اجتماعی در برابر بزه‌کاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران»، «مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، معاونت آموزش پلیس پیش‌گیری، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
۸. الحمادی، عبدالله، «ما و مظاهر جهانی شدن»، ترجمه‌ی عبدالله نکونام قدیمی، همشهری، سال هشتم، شماره‌ی ۲۲۴۳.
۹. خواجه‌نوری، یاسمن، «تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک»، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۱۰. دلماس مارتی، می‌ری، «به دنبال جهانی شدن حقوق جزای مشترک اروپایی»، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۷۶.

۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ژوین، چاپ دهم، ۱۳۸۰.
۱۲. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
۱۳. شولت، یان آرت، نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۴. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۱۵. میرمحمدی، داود، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره‌ی ۱۱، ۱۳۸۱.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی جهانی شدن و جرم»، دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، نیم‌سال دوم ۸۹-۱۳۸۸.
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
۱۸. نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

19. Drowns, Robert. W. and others Guvenile Gustice, Wadsworth & Thomson, 2000.

20. Clement, Mary. J. the Guvenile Gustice system, Butterworth & Heinemann, 2001.